

تحلیل تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با جنبش ۱۴ فوریه بحرین بر اساس نظریه نسل چهارم گلدستون

محمد رضا حاتمی^{*۱}
علیرضا بیگی^۲

چکیده

تحلیل تطبیقی انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین، به عنوان دو کشور اسلامی که در زمینه‌های مختلف بسیار شبیه به یکدیگر بوده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظریه‌ی «نسل چهارم گلدستون» به عنوان یکی از نظریه‌های متأخری که پیرامون علل رویداد انقلاب‌ها ارائه گردیده، از سوی برخی پژوهشگران حوزه انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پژوهش پیش رو تلاش شده است تا از رهگذر تحلیل تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با جنبش ۱۴ فوریه بحرین به وسیله نظریه نسل چهارم جک گلدستون، شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو رخداد را مورد ارزیابی قرار داده و این فرضیه را تبیین ساخت که تشابهات قابل توجهی میان جنبش‌های مردمی بحرین به‌ویژه جنبش ۱۴ فوریه بحرین و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد. این امر نیز به سبب تأثیرپذیری جنبش‌های مردمی این کشور از انقلاب اسلامی ایران بوده است، نه دخالت جمهوری اسلامی ایران در بحرین. سؤال پژوهش به صورت مشخص از این قرار است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین وجود دارد؟ یافته‌های این پژوهش که به روش مقایسه تطبیقی و گردآوری منابع مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی به دست آمده، حاکی از این است که جنبش‌های مردمی بحرین به‌ویژه جنبش ۱۴ فوریه، به سبب تأثیرپذیری از انقلاب‌های معاصر منطقه غرب آسیا به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران، به سبب برخورداری از ماهیت مردمی و روحیه استکبار و استبداد ستیزی مشابهی که بر آنان حاکم بوده، جهت نیل به پیروزی، در مسیرهای یکسانی گام نهاده‌اند که موجب شباهت‌های قابل توجهی میان آنان شده است. نظام حاکم در بحرین جهت نفی تشابهات جنبش ۱۴ فوریه و انقلاب اسلامی ایران، درصدد نفی تأثیرپذیری جنبش‌های مردمی بحرین از انقلاب اسلامی ایران برآمده و علل جنبش‌های مردمی را دخالت میدانی جمهوری اسلامی ایران در بحرین می‌داند، این در حالی است که یافته‌های پژوهش صحت ادعای مذکور نگارندگان را اثبات می‌کند.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، خیزش مردمی، بحرین، نظام بحرین، گلدستون.

Email: hatami5@yahoo.com

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (نویسنده
مسئول)

Email: a.r.beygi20@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۲

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م در زمره یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌رود که موجب بهت و حیرت ناظرین، کارشناسان و فعالان سیاسی جهان گشت. این انقلاب تاکنون همانند دیگر وقایع مهم و پرچالش قرن گذشته، جای تحقیق و پژوهش دامنه‌داری دارد. این انقلاب با برخورداری از برخی ویژگی‌های خاص، به‌عنوان الگویی برای مردم برخی کشورهای اسلامی مطرح شد. ترس برپا شدن انقلابی مشابه انقلاب اسلامی ایران در کشورهای منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، رهبران، سردمداران و حکام این کشورها را که نه التزام جدی و حقیقی به اسلام داشتند و نه عدالت و حقوق اجتماعی این مردم را تضمین می‌کردند، بسیار نگران ساخت. از جمله این کشورها بحرین بود. جنبش‌های مردمی بحرین پس از دهه هفتاد میلادی بسیار تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند. این امر موجب شد تا این جنبش‌ها که از دهه پنجاه میلادی در راستای احقاق خواسته‌های مردم با نظام بحرین اختلاف پیدا کرده بودند، با انگیزه و توان بیشتری نسبت به گذشته فعالیت‌های خود را ادامه دهند. در حقیقت انقلاب اسلامی ایران نوعی عامل کاتالیزوری در جنبش‌های مردمی بحرین به‌شمار می‌رفت. تجدید روحیه جنبش‌های بحرین باعث شد تا نظام بحرین در آغاز تحرک دوباره جنبش‌های مردمی بحرین، آنها را اختلافات داخلی میان شیعه و سنی معرفی کند و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بحرین را بی‌اثر نشان دهد. نظام بحرین با وجود اینکه انقلاب اسلامی ایران را بر جنبش‌های درون بحرین بی‌تأثیر قلمداد می‌کرد، در همان سال‌های آغازین پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی را به دخالت در امور داخلی بحرین متهم می‌ساخت. این امر در حالی بود که جمهوری اسلامی هیچ نقش مستقیمی در فعالیت‌های مردمی بحرین و امور داخلی آن نداشت بلکه علقه هویتی مردم بحرین به ایران که تا قبل از سال ۱۹۷۱ جزو ایران بود و همچنین اکثریت مطلق شیعه در این کشور سبب تأثیر بیش‌ازپیش مردم بحرین از ایران و ایرانیان شده بود. این تأثیرپذیری را می‌توان با تبیین تفاوت‌ها و تحلیل شباهت‌ها، در برخی از مقوله‌های مشترک انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های معاصر بحرین به وضوح یافت. در پژوهش حاضر این تفاوت‌ها و شباهت‌ها به‌وسیله نظریه نسل چهارم گلدستون نشان داده خواهد شد. جک گلدستون در کتاب «انقلاب‌ها؛ مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی»، نظریه‌های انقلاب در قرن بیستم را در سه نسل جای داد. با وقوع انقلاب‌های دیگری در پایان قرن بیستم، گلدستون از ورود به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب سخن به میان آورد که هر چهار نسل در ادامه پژوهش بررسی شده و تفاوت‌ها و تشابهات جنبش ۱۴ فوریه بحرین و انقلاب اسلامی ایران بر اساس آن مورد تبیین قرار می‌گیرد.

۱- چارچوب نظری

از میان نظریه‌پردازان مطرح انقلاب، جک گلدستون^۱ به سبب تقسیم‌بندی ویژه‌ای که از نظریات مختلف انقلاب ارائه کرد، مورد توجه قرار گرفت. وی بیان داشت که معنای انقلاب در پی حوادث جدید و مهمی که در تاریخ جهان رخ داد، تغییر یافت. بنابر گفته وی، در طول سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ جهان پذیرای چندین انقلاب جدید بود که نظریات گذشته پیرامون انقلاب را به چالش کشید (Goldstone, 2001: 140-141). گلدستون نظریات مختلف انقلاب را در ابتدا به سه دسته تقسیم‌بندی کرد، اما زمانی که انقلاب نیکاراگوئه و انقلاب اسلامی در ایران رخ داد، از تقسیم‌بندی چهارمی سخن به میان آورد که مدعای نظریات نسل سوم را نقض کرد. وی در واقع انقلاب اسلامی ایران را به سبب ویژگی‌های خاص ایدئولوژیکی و فرهنگی متمایز از سایر انقلاب‌ها دانست که عامل به‌وجود آورنده نظریات نسل چهارم شد (Foran, 1993: 2).

پژوهش حاضر، نظریه نسل چهارم جک گلدستون درباره‌ی انقلاب‌ها را به‌عنوان یکی از نظریه‌های متأخری که پیرامون انقلاب مطرح شد، نظریه مناسب دانسته و جهت تحلیل تطبیقی انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین و تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های آنان، این نظریه را کاربست داد. چهار نسل نظریه گلدستون در رابطه با انقلاب‌ها به شرح ذیل است:

نسل اول: تاریخ طبیعی انقلاب‌ها

نسل اول نظریات انقلاب که از سوی جک گلدستون مطرح شد، مطالعات نظریه‌پردازان انقلاب و دانشمندان علوم اجتماعی طی سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۴۰ را شامل می‌شود. این دسته از مطالعات که تحت عنوان «تاریخ طبیعی انقلاب‌ها» مطرح‌اند، بیشتر در پی «توصیف» الگویی واقعی که در فرآیند تحول انقلابی روی می‌دهد، بودند (Goldstone, 1980: 425-426). نظریات نسل اول انقلاب حیات قانونمندی را برای انقلاب‌ها قائل‌اند و به بررسی مراحل مختلف این حیات طبیعی می‌پردازند (منوچهری، ۱۳۸۰: ۲-۳). تحلیل‌های نویسندگان این دوره در کنار فقدان شالوده‌ای نظری، ادعای مشخص و صریحی را در زمینه علت و نیز زمان به وجود آمدن وضعیت انقلابی مطرح نمی‌کردند و در خصوص علل انقلاب عموماً مجموعه‌ای پراکنده و التقاطی را از عوامل گوناگون، بدون اینکه آنها را در چارچوب نظری مشخصی قرار دهند، ذکر می‌کردند. گوستاو لوبون^۲، چارلز آبرام الوود^۳، پیتیریم الکساندر سوروکین^۴، لیفورد پترسون ادواردز^۵ و کرین بریتون^۶ از جمله مهم‌ترین نظریه‌پردازان نسل اول به‌شمار می‌روند. این افراد مرکز توجه خود را تنها توصیف انقلاب‌های مشهور گذشته مانند انقلاب فرانسه قرار داده و تلاشی در

1. Jack Goldstone
2. Charles-Marie Gustave Le Bon
3. Charles Abram Ellwood
4. Pitirim Alexandrovich Sorokin
5. Lyford Paterson Edwards
6. Karen Bryanton

جهت تبیین نظری پدیده انقلاب نمی‌کردند (ملکوتیان، ۱۳۹۴: ۱۴۳). متفکران نسل اول بیشتر در پی توصیف و دسته‌بندی رویدادهای تاریخی جوامع انقلابی و پسا انقلابی و معرفی الگویی جامع و مشترک از ویژگی‌های آنان بودند.

نسل دوم: نظریه‌های عمومی انقلاب

در ادامه نظریه‌پردازان نسل اول، تحلیلگران نسل دوم قرار دارند. نسل دوم نظریه‌پردازان انقلاب که تقریباً بین سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۷۵ ظهور کردند، از توصیف صرف فرایند انقلاب فراتر رفته و تلاش داشتند تا به علل و زمان رخ داد انقلاب بپردازند. این افراد در پی نشر نظریاتی پیرامون علل، دلایل و زمان وقوع شرایط انقلابی بودند (Goldstone, 1980: 427). نویسندگان این دوره بر نظریات حوزه رفتار اجتماعی همچون نظریه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علم سیاست تأکید داشته و آن را برای تبیین انقلاب‌ها به کار بردند. در طول دهه‌های پنجاه و شصت میلادی، با گسترش خشونت‌های سیاسی میان کشورهای در حال توسعه که به‌طور معمول در حال گسترش بود، توجه محققانی همچون تد رابرت‌گار^۱، نیل اسملسر^۲، چالمرز جانسون^۳، جیمز دیویس^۴، ساموئل هانتینگتون^۵ و چارلز تیلی^۶ متوجه این مسئله شد (ملکوتیان، بقایی و نیری، ۱۳۹۱: ۳۳۶). در تحلیل‌های روانشناختی، نوشته‌های جیمز دیویس، تد رابرت‌گار، پائول کارل فایراند^۷، دیوید شوارتز^۸، جیمز گشوند^۹ و دنتون موریسون^{۱۰} ریشه انقلاب را در وضع ذهنی توده‌ها جستجو می‌کردند. در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، مطالعات چارلز جانسون، نیل اسملسر، مارک هارت^{۱۱} و باب جساپ^{۱۲}، در تحلیل پدیده انقلاب به تعادل نظام اجتماعی در اثر کارکرد خرده نظام‌ها توجه داشتند و در تحلیل‌های علوم سیاسی، نوشته‌های چارلز تیلی، هانتینگتون، پیترو امان^{۱۳} و آرتور لئونارد استینکجامب^{۱۴} قرار داشتند که انقلاب را گونه‌ای منازعه سیاسی میان رقبا می‌پنداشتند (Goldstone, 1980: 433). به‌طور خلاصه، نظریات نسل دوم به عوامل عمده‌ای که در وقوع انقلاب مؤثر بوده، توجه داشته است؛ همانند عوامل روانشناختی یا عدم تعادل سیستمی و یا توانایی بسیج منابع، جهت مقابله با قدرت مستقر توسط ناراضیان (منوچهری، ۱۳۸۰: ۲-۳).

1. Ted Robert Gurr
2. Neil Joseph Smelser
3. Chalmers Ashby Johnson
4. James Robert Davis
5. Samuel Phillips Huntington
6. Charles Tilly
7. Paul Karl Feyerabend
8. David C. Schwartz
9. James A Geschwender
10. Denton E. Morrison
11. Mark Hart
12. Bob Jessop
13. Peter Amman
14. Arthur Leonard Stinchcombe

نسل سوم: نظریه‌های ساختاری

نسل سوم از نظریات انقلاب که از سال ۱۹۷۰ به بعد مطرح شد، غالباً ساخت‌گرا بوده و نقطه تمرکز تحلیل خود را بر فشارهای بین‌المللی، جامعه دهقانی، نیروهای نظامی و رفتار نخبگان قرار داد (Goldstone, 1980: 435). اندیشمندان این نسل از نظریات شامل افرادی مانند جفری پیچ^۱، آلن کی تریمبرگر^۲، آیزنشتات^۳ و از همه مهم‌تر تدا اسکاچپول^۴ بود (Foran, 1993:1). رهیافت عمومی در تحلیل‌های این نویسندگان از دو جهت با نظریه‌پردازان پیشین متفاوت است. اول آنکه کاملاً بر پایه شواهد تاریخی بنا شده‌اند؛ دوم آنکه نظریه‌پردازان نسل سوم، کلی‌نگرتر بوده؛ بدین معنا که علاوه بر بررسی علل بروز انقلاب‌های اجتماعی، در پی تبیین برون‌دادهای گوناگون انقلاب‌ها نیز هستند. این دسته از نویسندگان معتقدند که برای وقوع انقلاب باید شرایط ساختاری ویژه‌ای مقدم بر فشارها یا تحولات اجتماعی و بین‌المللی وجود داشته باشد. در واقع این نظریه‌پردازان متوجه نقش انواع ساختارها مانند ساختار دهقانی در وقوع انقلاب شده و نقش عوامل آرمانی یا ایدئولوژیک و رهبری انقلابی را نادیده می‌گرفتند. نظریات نسل سوم به خصوصیات دولت‌های مستقر و نقاط ضعف آنان در کنار منازعه نخبگان سیاسی و بروز عینی ناخرسندی آنان توجه دارد (منوچهری، ۱۳۸۰: ۲-۳).

نسل چهارم

با وقوع چندین انقلاب متفاوت در اواخر قرن بیستم همچون انقلاب ایران و انقلاب نیکاراگوئه، مطالعه و پژوهش پیرامون علل وقوع این انقلاب‌ها و تحلیل آنها رنگ و بوی دیگری گرفت. به نظر جان فوران^۵ نیز رخداد دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه راه را برای ورود به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب هموار کرد؛ یعنی نسلی که خود را از دید ساختاری محض و جبرگرایانه آزاد ساخته و به عناصر متعددی مانند نقش فرهنگ و ایدئولوژی، بسیج منابع، توسعه نامتوازن و غیره بها می‌دهد (Foran, 1993: 16). نظریه‌پردازان انقلاب، پس از رخداد انقلاب ایران و نیکاراگوئه، بر ویژگی‌های منحصر به فرد این انقلاب‌ها تأکید کردند و از ناکارآمدی نظریات موجود در تبیین و تحلیل آنها سخن راندند. از نظر آنان، جهت تبیین انقلاب می‌بایست نظریه یا نظریه‌هایی مبتنی بر وضعیت خاص کشورها ارائه شود. در نتیجه، انقلاب‌های جهان سوم (همچون انقلاب ایران و انقلاب نیکاراگوئه)، مبنای نقد نظریه‌های موجود و تلاش جهت ارائه تحلیل‌های جدید قرار گرفت. بر این اساس نگرش فکری جدیدی شکل گرفت که در پی آن بود تا از رهگذر نقد چشم‌اندازهای موجود در تبیین انقلاب‌های جهان سوم، چارچوب نوینی را برای تحلیل انقلاب‌های اجتماعی در این کشورها طراحی کند (ملکوئیان بقایی و نیری، ۱۳۹۱: ۳۴۵).

1. Jeffrey Paige
2. Ellen Kay Trimberger
3. Shmuel Noah Eisenstadt
4. Theda Skocpol
5. John Foran

در واقع با رخ داد این رویدادها، ضرورت تجدیدنظر در تئوری‌های انقلاب بیش‌ازپیش احساس شد؛ چرا که سه نسل نخست انقلاب که در تحلیل انقلاب‌های پیشین نیز با مشکلاتی مواجه بودند، قادر به تبیین زوایای این انقلاب‌ها نبودند (ملکوتیان، بقایی و نیری، ۱۳۹۱: ۳۴۴). مشکلات نسل سوم نظریه‌های انقلاب در تحلیل انقلاب‌های جدید، راه را برای نسل چهارم نظریه‌ها که اکنون در آغاز راه خود است، هموار ساخت. بدون شک انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین انقلابی بود که نظریه‌های نسل سوم را به چالش کشید چرا که در نظریات نسل سوم انقلاب‌ها، عواملی همچون فرهنگ، ایدئولوژی، رهبری، بسیج انقلابی و ائتلاف‌های طبقاتی، شبکه‌های ارتباطی، مورد توجه واقع نشده بود در حالی که نقش بارز فرهنگ، رهبری و آرمان و مقوله‌هایی از این دست که بیان شد، در وقوع انقلاب اسلامی، از مباحثی است که در دهه آخر قرن بیستم مطرح شد (Goldstone, 2001: 139).

نقش غیرقابل انکار فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی در انقلاب ایران موجب شد تا نظریه‌پردازان انقلاب مقوله‌هایی همچون فرهنگ و ایدئولوژی را نیز در تحلیل خود مدنظر قرار دهند و برخی افراد همچون تدا اسکاچپول نیز در نظریات گذشته خود پیرامون انقلاب، تجدیدنظر کنند. در نسل چهارم نظریه‌ها، گلدستون بیان می‌دارد که باید توجه دقیقی داشت به آنچه هنگام بروز و گسترش منازعات انقلابی رخ می‌دهد. در نظریات نسل چهارم انقلاب مقوله‌های مهم دیگری همچون رهبری، ایدئولوژی، شبکه‌های ارتباطی نیز به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفت (Foran, 1993: 16). در پژوهش پیش رو نیز مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه نسل چهارم انقلاب همچون رهبری، ایدئولوژی، شبکه‌های ارتباطی، خاستگاه اجتماعی، فرهنگ و آرمان جهت تبیین تفاوت‌ها و تشابهات انقلاب اسلامی ایران و جنبش بحرین تطبیق خواهد یافت. برای نیل به این هدف؛ ابتدا خاستگاه و پیشینه جنبش‌های مردمی بحرین مورد بررسی قرار می‌گیرد تا درک درستی از علل خیزش‌های مردمی این کشور حاصل آید.

خاستگاه جنبش‌های مردمی بحرین

جنبش‌های مردمی بحرین با ورود استعمار به این مجمع‌الجزایر آغاز گردید. ورود استعمار به بحرین نه تنها اعتراضی از سوی نظام بحرین در پی نداشت، بلکه این نظام اقدام به زمینه‌سازی برای حضور دائمی استعمار در این کشور کردند. این اقدام نظام بحرین به مذاق مردم استقلال‌طلب و آزادی‌خواه بحرین خوش نیامده و جنبش‌ها و اعتراضاتی را از سوی آنان در پی داشت (بیگی، ۱۳۹۵: ۱۱). ورود استعمارگران به بحرین و دخالت آنان در امور داخلی و خارجی این کشور نارضایتی‌ها و اعتراضاتی را از سوی مردم این کشور به همراه داشت که بسیاری از آنان پس از آن زمان تبدیل به قیام و انتفاضه شد.

نخستین قیام مردمی در مارس ۱۸۹۵م علیه شیخ «عیسی‌بن‌علی نظام بحرین» حاکم وقت بحرین شکل گرفت. قیام بعدی در سال ۱۹۱۹ م که به «قیام غواص‌ها»^۱ شهرت یافت که تجار مروارید نقش

مؤثری در آن داشتند که یکی از دلایل آن ظلم نظام بحرین بر غواص‌ها و غصب مرواریدهایی که غواص‌ها از عمق دریا صید می‌کردند و در ازای آن بهای کمی به آنان پرداخت و به‌زور از آنان می‌گرفتند (نوروزی، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۱۱/۱۰). جنبش بعد در سال ۱۹۲۲م با عنوان «انتفاضه بحرانی‌ها»^۱ و در اعتراض به سیاست‌های تغییر جمعیت نظام بحرین قبال اکثریت شیعیان صورت گرفت. حکومت بحرین از طریق تبعید و کوچ اجباری شیعیان و واردکردن اهل سنت متعصب و بی‌سواد از کشورهای دیگر به بحرین و دادن تابعیت بحرینی به آنان، درصدد کاهش تعداد شیعیان، هم‌اندازه کردن جمعیت آنان و اهل سنت و در نتیجه کاستن از حجم و شدت تظاهرات بوده است زیرا که درصد بسیار زیادی از معترضان را شیعیانی تشکیل می‌دهند که دو قرن است مورد ظلم و ستم نظام بحرین قرار گرفته‌اند (مؤمن، ۲۰۰۲: ۲). اعتراضات گسترده بعدی مردم بحرین در سال ۱۹۳۸م با همکاری شیعیان و اهل سنت جهت درخواست به قانون اساسی و مجلس انتخابی برگزار شد (العالم، ۲۰۱۷).

اجتماعات و اعتراضات گسترده رهبران اهل سنت و شیعه در بین سال‌های ۱۹۵۴م - ۱۹۵۶م موجب به رسمت شناخته شدن اولین حزب سیاسی بحرین با عنوان «هیئت اتحاد ملی»^۲ از سوی نظام بحرین و انگلستان شد. این حزب اولین حرکت سیاسی موفق مردمی در تاریخ بحرین به‌شمار می‌رود که همه اقوام و طوایف مختلف در آن جمع شدند. هیئت اتحاد ملی با اصرار خود بر مطالبات مردمی توانست بسیاری از خواسته‌های مردم را محقق سازد که این امر چندان به مذاق نظام بحرین و نمایندگان انگلستان در بحرین خوش نیامد لذا در سال ۱۹۵۶م، زمانی که مردم به خواسته هیئت اتحاد ملی برای حمایت از مصر در جنگ کانال سوئز به خیابان‌های بحرین آمدند، انگلستان از این فرصت استفاده کرده و این حزب را سرکوب ساخت و رهبران آن^۳ را به جزیره سنت هلن تبعید کرد (البسام، ۲۰۰۶: ۱۰-۱۲). در سال ۱۹۶۵م نیز اعتراض‌هایی در قبال ظلم و ستم‌های نظام بحرین تشکیل شد که موجب درگیری میان معترضین، نیروهای نظام بحرین و شهادت ۱۴ و بازداشت و آوارگی صدها بحرینی شد. پس از چند سال، انگلستان در سال ۱۹۷۱م از بحرین خارج شد.

اولین حادثه مهمی که پس از خروج انگلستان از بحرین رخ داد تدوین اولین قانون اساسی بحرین و تشکیل شورای ملی و شورای مشورتی است. پس از ایجاد مجلس انتخابی از سوی مردم، نظام بحرین در تصویب برخی قوانین با محدودیت و موانع مجلس ملی مواجه شد. نظام بحرین چنین وضعیتی را به ضرر خود می‌دانست لذا در سال ۱۹۷۵م مفاد قانون اساسی مرتبط با مجلس انتخابی را باطل کرد، بدین ترتیب مجلس منحل شد که اعتراضات گسترده‌ای را در پی داشت. اعتراضات و جنبش‌های بعدی بحرین پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ داد.

۱. انتفاضة البحارنة

۲. هیئة الإتحاد الوطني

۳. ابراهیم فخر، ابراهیم موسی، عبدالعزیز الشملان، عبدالرحمن الباکر

به اعتراف دوست داران و بدخواهان جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی ایران بیشترین تأثیر را در جهان اسلام و عرب داشته است (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۵). بیشترین تأثیر را نیز جنبش‌های مردمی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌ویژه بحرین پذیرفتند. نظام بحرین، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بحرین را بی‌تأثیر دانسته و آنها را ناشی از اختلافات قومی و طایفه‌ای معرفی کرد در حالی که جنبش‌های مردمی درون بحرین به‌ویژه جنبش‌های شیعیان، به خاطر جاذبیت امام خمینی (ره) و منحصر به فرد بودن انقلاب ایران، از نگرش و تفکر امام خمینی (ره) به «خط امام» یاد کرده و از آن بسیار تأثیر پذیرفتند (الجمری، ۲۰۰۸). این امر نگرانی کشورهای عربی را برانگیخت و موجب زمینه‌سازی جهت تشکیل شورای همکاری خلیج فارس شد.

دولت بحرین پس از ایجاد شورای همکاری خلیج فارس در ۱۳ اوت ۱۹۸۱ م به رهبری عربستان سعودی، حوادث گذشته و بعد درون بحرین را به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده و آن را متهم به دخالت در امور داخلی کشور کرد (السندی، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۲۳۶؛ بی‌نا، ۲۰۱۲: ۲۴؛ بی‌نا، ۲۰۱۲: ۶۸). بارزترین اتهام بحرین به جمهوری اسلامی ایران مربوط است به کودتای نافرجام جبهه اسلامی آزادسازی بحرین^۱ که توسط یکی از گروه‌های معارض نظام در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱ م صورت گرفت. این اتهام در حالی از سوی نظام جمهوری اسلامی تکذیب شد که جبهه اسلامی آزادسازی بحرین قبل از انجام این کودتا، اقدامات استقلال طلبانه خود را تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران معرفی کرده بودند.

تشابهات و تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین

مردم بحرین تلاش داشته‌اند تا در همان مسیری گام بگذارند که مردم ایران برای پیروزی انقلاب گام نهادند. بسیاری از اقدامات مردم بحرین و رهبران فعلی جنبش‌های مردمی این کشور همانند اقدامات مردم و رهبران ایران قبل از انقلاب است؛ دعوت به اصلاح نظام به صورت مسالمت‌آمیز، همانند برگزاری جلسات با مردم به‌ویژه جوانان در مساجد و حسینیه‌ها، حضور مستمر در میان مردم و قرار داشتن در صف اول جنبش‌ها، ثبات و استواری در روند جنبش‌ها حتی در صورت بازداشت و شکنجه و حتی تبعید آنان، اتحاد ملی، تعطیلی مغازه‌ها و بازارها جهت ایجاد فشار اقتصادی بر نظام و غیره، بخشی از تشابهات قابل تبیین این دو رخداد است. در ادامه به مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌هایی که گلدستون در نظریه نسل چهارم خود بیان داشته است پرداخته می‌شود.

ایدئولوژی

از نظر جک گلدستون، ایدئولوژی عنصری بود که در انقلاب‌های قرن بیستم به وضوح نمایان بود. گلدستون انقلاب‌هایی که ایدئولوژی نقش قابل توجهی در آن داشته است را انقلاب‌های رادیکال می‌نامد. از نظر او، گروه‌های مخالف و به اصطلاح، اپوزیسیون می‌توانند حول یک ایدئولوژی ائتلاف تشکیل داده و

به نفی مشروعیت قدرت حاکم پردازند (Goldstone, 2009: 19-31). تمام انقلاب‌هایی که توسط کارشناسان و نظریه‌پردازان انقلاب تا به امروز مورد بررسی قرار گرفته است، هر کدام الهام گرفته و یا وابسته به یکی از این دو قطب بودند اما انقلاب اسلامی ایران به سبب برخورداری از ایدئولوژی دینی از آنان متمایز گشت. اولین شاخصه مهم انقلاب ایران ماهیت دینی و اسلامی آن بود. ماهیت دینی، انقلاب ایران را از همان آغاز به یک ایدئولوژی فراملی تبدیل کرد که در مقابل دو تفکر مادی‌گرای غربی و شرقی به مقابله برخاست. با وجود فراگیر بودن انقلاب اسلامی و مشارکت بسیاری از طوایف، اقوام و گروه‌های دینی و مذهبی به‌ویژه اهل سنت، انقلاب ایران به‌عنوان یک انقلاب مذهبی که ریشه در مذهب تشیع دارد شناخته می‌شود (بی‌نا، سایت دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، ۱۳۹۵ و جمالزاده، ۱۳۹۱: ۷۲). مذهب تشیع مبتنی بر مکتب اهل بیت (ع) همواره نفی ظلم و ستم کرده و به مبارز با ظلم و ستمگری فراخوانده است. در بحرین نیز جنبش‌های مردم‌سالاری خواه دارای خاستگاهی مذهبی بوده که می‌توان گفت ریشه در مکتب تشیع دارد. علت آن نیز ظلم و ستم‌هایی است که نظام بحرین و هم‌پیمانانش به همه مردم بحرین به‌خصوص شیعیان روا داشته است. شیعیان نیز به سبب اعتقاد به مقابله با ظلم و ظالم، اولین گروهی در بحرین بوده‌اند که به پیکار با استبداد داخلی و استعمار خارجی در بحرین پرداخته‌اند. این جنبش‌ها در دهه‌های اخیر به انقلاب اسلامی ایران بسیار شبیه شده است به‌گونه‌ای که بسیاری از مؤلفه‌های دینی انقلاب اسلامی در آن مشاهده می‌شود، همانند انتخاب مساجد و حسینیه‌ها به‌عنوان پایگاه‌های مردمی و تخریب این پایگاه‌ها از سوی نظام بحرین. مساجد از گذشته و از زمان تأسیس حزب هیئت اتحاد ملی به‌عنوان کانون و مرکز تجمعات مردمی در بحرین به‌شمار می‌رفت، به‌گونه‌ای که سیطره یافتن بر مساجد به‌عنوان یکی از عوامل پیروزی در جنبش‌ها به‌شمار می‌رفته است (خلف، ۲۰۰۳: ۳۰). امروزه نیز در بحرین مساجد و مآتم^۱ به‌عنوان پایگاه‌های اصلی جنبش‌های مردمی به‌شمار می‌روند. تظاهرات و جنبش‌های مردم در بحرین یا از مساجد و حسینیه‌ها آغاز می‌شده و یا به آنجا منتهی می‌گردیده است. مساجد و حسینیه‌ها برای مردم بحرین پایگاهی برای اتحاد، مرکزی جهت برنامه‌ریزی و مأمنی برای پناه بردن به آن به‌شمار می‌رود. مساجد و حسینیه‌ها به سبب نقش تأثیرگذاری که در پیشبرد اهداف مردم مطالبه‌گر بحرین به‌ویژه در جنبش‌های دهه نود داشته‌اند از گذشته اندکاندک مورد تعدی نظام بحرین قرار گرفتند. نیروهای نظام بحرین از دهه پنجاه میلادی اقدام به بستن مساجد در مناطق شیعیان می‌کردند. در بسیاری مواقع نیز مساجد را محاصره کرده و به شیعیان اجازه برگزاری مراسم مذهبی همچون جشن نیمه‌شعبان را نمی‌دادند. کارویژه پایگاه اجتماعی بودن مسجد از زمان تأسیس حزب هیئت اتحاد ملی در بحرین برجسته شد. امروزه مساجد به خاطر نقش محوری که در طول روند جنبش‌های مردمی داشته است و همچنان نیز آن نقش را ایفا می‌کنند، از سوی نظام بحرین مورد تعدی قرار می‌گیرند. مردم بحرین نیز به سبب بی‌اعتنایی حکومت این کشور به مفاهیم و ارزش‌های دینی

۱. به معنای حسینیه

و تبدیل شدن منامه به هشتمین شهر فاسد اخلاقی جهان در سال ۲۰۰۳ (Smart Travel, 2017) و تبدیل شدن آن به دومین شهر فاسد جهان در سال ۲۰۱۴ (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۷۰؛ pujani, 2014)، دست به اعتراض زدند. اعتراضات مردم بحرین که غالباً به سبب تعرض حکومت بحرین به شعائر دینی شکل گرفته بود، نقش ایدئولوژی در جنبش‌های مردمی این کشور را نشان می‌دهد.

رهبری

رهبری یکی از مهم‌ترین مقوله‌های مورد اشاره گلدستون در نظریات نسل چهارم انقلاب است. وی بیان می‌دارد که رهبری و هدایت به‌عنوان یک ویژگی ممتاز در همه انقلاب‌ها وجود دارد، اما نوع و کیفیت آن از انقلابی به انقلاب دیگر متفاوت است. وی هرچند ممکن است تفاوت‌های آشکاری بین انقلاب‌ها در نوع رهبری وجود داشته باشد، اما همه انقلاب‌ها رهبران خاص خود را داشته‌اند. گلدستون بیان می‌دارد که رهبران جهت اعمال نفوذ بیشتر بایسته است تا از حمایت نخبگان جامعه همچون افسران نظامی، رهبران دینی، نجیب زادگان، سیاستمداران، روشنفکران، مدیران دولتی، متخصصان حقوقی و مهندسی و مدیریتی و غیره برخوردار باشد (Goldstone, 2009: 20). از نظر گلدستون موفقیت و کارآمدی رهبری انقلاب به چندین عامل بستگی دارد: وحدت رهبران، اصالت فرهنگی و تاریخی رهبران، ارتباط گسترده آنان با مردم و موضوعات جامعه. از نظر گلدستون رهبری یک انقلاب هرچقدر دارای وحدت بیش‌تری باشد، هرقدر از نظر فرهنگی و تاریخی اصیل‌تر و ریشه‌دارتر باشد، هرچقدر تعامل رهبران با مردم بیشتر باشد، آن نوع از ساختار رهبری موفق‌تر خواهد بود. در برخی از انقلاب‌ها رهبری در اختیار یک شخص و یک ساختار بوده است و در بعضی دیگر که مراحل مختلف و حتی متعارضی را پشت سر گذاشته‌اند. ممکن است در هر مرحله فرد خاصی نقش رهبری را به عهده گرفته باشد. در بررسی نقش رهبری در نهضت‌ها و انقلاب‌های گوناگون باید راهبرد و تاکتیک‌های رهبری در پیشبرد حرکت انقلابی مورد تأیید قرار گیرد. فردی که رهبری یک نهضت یا انقلاب را بر عهده می‌گیرد بایستی دارای صفات و ویژگی‌های خاص و مورد قبولی باشد تا بتواند با استفاده از تاکتیک‌ها و راهبردهای عملیاتی گوناگون خود، جنبش را به سرمنزل مقصد برساند. گلدستون بر عهده گرفتن بیرق رهبری انقلاب را وظیفه فرد کامل آن زمان و آن جامعه می‌داند.

در ایران نیز که حضرت امام خمینی(ره) رهبری انقلاب اسلامی را بر عهده داشتند، یک فرد کامل و به اصطلاح می‌توان گفت که انسان کامل زمان خویش بودند زیرا در همه جوانبی که یک رهبر باید آگاه باشد، ایشان از نظر آگاهی در سطح اعلی بودند. یعنی ایشان هم فیلسوف، هم فقیه، هم عارف، هم سیاستمدار هم استاد اخلاق بودند و در همه این مراحل همیشه از دیگران برتر بودند. وی اغلب در همه این زمینه‌ها صاحب‌نظر بودند. از لحاظ آشنایی با قرآن، سنت و فقه اسلامی، ایشان در همه این زمینه‌ها تدریس کرده‌اند، زیرا ایشان هم مفسر قرآن بودند و هم فقیه و هم با مردم عادی جامعه به خوبی می‌توانستند ارتباط برقرار کنند. گلدستون رهبران انقلاب ایران را افرادی می‌داند که از حمایت طبقات

محروم شهری و دهقانان برخوردار بودند و توانستند با حمایت آنان قدرتمند شوند (Goldstone, 2009: 32).

در بحرین نیز چنین امری نیز به وضوح دیده می‌شود. دهه پنجاه میلادی که اولین حزب سیاسی بحرین ایجاد شد، دو عامل در پیشبرد اهداف مردمی و اعتراضات بسیار مؤثر بود، نقش روحانیون و علماء به‌عنوان رهبران جنبش و نقش مساجد و حسینیه‌ها به‌عنوان پایگاه جنبش‌ها (الشهبای، ۱۹۹۶: ۲۱۵). رهبری جنبش ۱۴ فوریه بحرین در سال ۲۰۱۱ بر عهده آیت‌الله شیخ عیسی قاسم بود. وی که از دوران جوانی به عرصه سیاست ورود یافته بود، رهبر دینی تمام مردم بحرین به‌شمار می‌رفت. در عرصه سیاسی نیز اکثریت جامعه بحرین و بسیاری از رهبران و جریان‌های سیاسی ایشان را به‌عنوان رهبر جنبش ۱۴ فوریه پذیرفته‌اند، به‌ویژه اینکه ایشان نیز همانند امام خمینی (ره) روحانی بوده و از مقبولیت اجتماعی قابل توجهی برخوردار بود.

آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم، از طریق خطبه‌های نماز جمعه، اندیشه و نظر خود را پیرامون مباحث مختلف سیاسی و اجتماعی کشور و جامعه مطرح کرده و بدین ترتیب به هدایت انقلاب می‌پرداخت. در واقع خطبه‌های نماز جمعه ایشان از چنان اهمیتی برخوردار بود که بسیاری بر این باور هستند که جنبش ۱۴ فوریه بحرین از طریق خطبه‌های ایشان در نماز جمعه هدایت و اداره می‌شد. عده‌ای از کارشناسان و سیاستمداران نیز هدایت انقلاب از پشت منبرهای نماز جمعه را به حساب حکمت و هوشیاری شیخ گذاشته و بر این باور بودند که قدرت سیاسی، تحلیلی و استراتژیکی شیخ عیسی قاسم، او را به این نوع مبارزه کشانده است. از نظر آنان شیخ عیسی قاسم فردی با نگاه و تحلیل استراتژیک و مورد اعتماد مراجع داخل و خارج از بحرین است که موجب شده است تا نظام حاکم در بحرین و آمریکا، اقدامات او را زیر نداشته و ارزیابی کنند (الدقاق، ۱۳۹۴: ۲۶۴). آیت‌الله قاسم به همراه نخبگان دیگری همچون استاد عبدالوهاب حسین^۱، استاد حسن مشیمع^۲، شیخ علی سلمان^۳، آیت‌الله محمدعلی المحفوظ^۴، دکتر سعید الشهبای^۵، دکتر ابراهیم شریف^۶ که همه آنان با یکدیگر ساختار رهبری جنبش ۱۴ فوریه بحرین را تشکیل می‌دادند، به هدایت و رهبری جنبش ۱۴ فوریه بحرین پرداخت.

۱. دبیر و سخنگوی تبار الوفاء الإسلامي

۲. دبیرکل حركة الحريات و الديمقراطية (حق)

۳. دبیر کل جمعية الوفاق الوطني الإسلامية

۴. دبیر کل جمعية العمل الإسلامي (أمل)

۵. دبیرکل حركة احرار البحرين الإسلامية

۶. دبیر کل جمعية العمل الوطني الديمقراطي (وعد)

شبکه‌ها

از مهم‌ترین عوامل پیشبرد جنبش‌ها و انقلاب‌های مردمی، شبکه‌ها است. شبکه ارتباطی نقش بسیار مهمی در برقراری ارتباط میان سطوح مختلف انقلابیون دارند. جک گلدستون در کتاب خود می‌نویسد که شیوه ارتباط انقلابیون با ساختار رهبری، شیوه ارتباط نخبگان جامعه با معترضان و انقلابیون، شیوه همگرایی افراد جهت کنش انقلابی در مکانی خاص به‌عنوان مکان نمادین انقلاب، شیوه خیزش رهبران و گروه‌های معروف در انقلاب و به دست گرفتن بیرق رهبری انقلاب و موضوعاتی از این قبیل ذیل موضوع شبکه‌ها و سازمان‌های ارتباطی جای می‌گیرد (Goldstone, 2001: 152). توجه به شبکه‌های ارتباطی به‌ویژه در امر بسیج انقلابی و برقراری رابطه که میان رهبری و بدنه انقلاب نقشی اساسی دارند، از جمله ویژگی‌های نظریه‌های متأخر انقلاب است. نخبگان با کمک شبکه‌های اجتماعی با جنبش اعتراضی پیوند خورده و با بدنه جنبش ارتباط برقرار می‌کنند. نقش و اهمیت شبکه‌ها در انقلاب‌های اخیر در کشورهای غرب آسیا نیز به تأیید رسیده است (ملکوتیان، بقایی و نیری، ۱۳۹۱: ۳۴۵-۳۴۶).

بی‌شک تفاوت‌های بسیار زیادی میان انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین وجود دارد، اما هدف در این پژوهش بررسی مهم‌ترین تفاوت‌های مطرح شده در نظریه نسل چهارم گلدستون است. این بار به‌واسطه گسترش امکانات نوین ارتباطی باید بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نیز تأکید شود که فضای مساعدی را برای شکل‌گیری مخالفت‌ها و کنش‌های اعتراض‌آمیز جمعی به‌وجود آوردند. مهم‌ترین تفاوت انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین، مربوط است به مقوله شبکه‌های ارتباطی. در انقلاب اسلامی ایران، ارتباطات شبکه‌ای عمدتاً به روش‌های سنتی صورت می‌گرفت. دیدارهای چهره به چهره، حضور در مکان‌های از پیش تعیین‌شده جهت همفکری و همگامی، انتقال پیام رهبر به بدنه انقلاب (مردم) توسط نخبگان معتمد، انتقال پیام امام به بدنه انقلاب توسط روزنامه، رادیو، نوارهای صوتی، اعلامیه و غیره از جمله شبکه‌های ارتباطی میان رهبران و مردم را تشکیل می‌داد. امروزه شبکه‌های ارتباطی سنتی جای خود را به روش نوین‌تری همچون شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و به‌طور کلی، فضای مجازی داده است.

بحرین از جمله کشورهای است که از شبکه‌های ارتباطی نوین یعنی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بسیار در عرصه‌های مختلف بهره گرفت. جنبش‌های مردمی بحرین از شبکه‌های ارتباطی اینترنتی جهت هماهنگی و پیشبرد امور جنبش بهره جستند. بحرین به‌عنوان کشوری که در میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، تا سال ۲۰۱۴ رتبه نخست را در پیشرفت فناوری ارتباطاتی داشته است، از شبکه‌های ارتباطی اینترنتی بسیار تأثیر پذیرفت. جوانان بحرین به سبب آزادی عملی که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در عرصه فناوری توسط نظام بحرین اختصاص یافته بود، در استفاده از فناوری، تکنولوژی و اینترنت مهارت ویژه‌ای به‌دست آورده بودند. در حقیقت باید به این نکته توجه داشت که بحرین تا قبل از تحولات منطقه غرب آسیا در سال ۲۰۱۱، در رابطه با توان فناوری گوی سبقت را از دیگر کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس ربوده بود. علت آن نیز رفع همه موانع توسعه ارتباطات الکترونیکی توسط نظام جهت سهولت تبادلات

بانکی و خدمات الکترونیکی است. این امر موجب گردید تا بحرین در رابطه با فناوری ارتباطات به‌ویژه نرم‌افزارهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در میان کشورهای عربی جایگاه نخست را از آن خود کند (حسین، ۲۰۱۵). چرایی توجه ویژه مردم بحرین به فناوری و شبکه‌های ارتباط جمعی را بایستی در ساختار نوین اجتماعی این کشور جستجو کرد چرا که نرخ سواد^۱ در این کشور ۹۵٫۷٪ است و جوانان این کشور از تحصیلات دانشگاهی بالایی برخوردار هستند (Index Mundi, 2017). همه این عوامل موجب شده است تا شبکه‌های اجتماعی دیجیتال به علت تسهیل بخشیدن ارتباطات، نزد مردم این کشور به‌ویژه جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود. جوانان مجمع‌الجزایر بحرین استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی دیجیتال را به برقراری ارتباطات اجتماعی یا تبادلات علمی و فرهنگی محدود نکرده و از آن در عرصه‌های سیاسی نیز به‌خوبی بهره بردند. آنان از ظرفیت گسترده رسانه‌های اجتماعی به‌خوبی بهره برده و توانستند از طریق این ظرفیت مردم را در سال ۲۰۱۱ به جنبش‌های اجتماعی دعوت کرده و به هماهنگی میان صف و ستاد انقلاب پردازند. این جوانان در گذشته نیز ابزارهای اینترنتی خود را در دعوت به تعدادی از اعتراضات طی دسامبر سال‌های ۲۰۰۶م تا فوریه ۲۰۱۱م به‌کار گرفته و موفقیت‌هایی نیز به دست آورده بودند. موضوع حضور خیابانی مردم بحرین در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همچون فیس‌بوک و توییتر پیشنهاد شد و حتی زمان و مکان‌هایی برای خروج آنان نیز در نظر گرفته شد. گفتگو پیرامون زمان خروج مردم به خیابان‌ها از فیس‌بوک به سامانه‌های اینترنتی دیگری که مخصوص گفتگو هستند منتقل شد^۲؛ همچون «ملتقی البحرين» و «بحرین أونلاین». یکی از جوانان حاضر در فضای ملتقی البحرين، روز ۱۴ فوریه مصادف با تصویب منشور اقدام ملی را به‌عنوان روز گردهمایی و تظاهرات مردم پیشنهاد کرد. این پیشنهاد در ملتقی البحرين از سوی اکثریت مردم پذیرفته شد. در نهایت نیز تعدادی از جوانان ناشناس با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همچون فیس‌بوک و توییتر و سامانه‌های الکترونیکی گفت‌وگو همانند ملتقی البحرين و حتی از طریق رایانامه مردم را به اعتراضات روز دوشنبه ۱۴ فوریه ۲۰۱۱م دعوت کردند و پس از آن از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به هدایت جنبش پرداختند (الراشد، ۱۳۹۶/۶/۱۵؛ العکری، ۲۰۱۲: ۷؛ رسالة القلم، ۲۰۱۴: ۴۶).

این احتمال وجود دارد که اگر جوانان بحرین از طریق شبکه‌های اجتماعی مزبور به دعوت فراگیر مردم نمی‌پرداختند، ممکن نبود که جنبش ۱۴ فوریه به‌وجود آید (الجزیره، ۲۰۱۱/۲/۱۵). نظام بحرین به اندازه‌ای از این اقدام جوانان خشمناک و نگران بود که در صبح این روز ابتدا سرعت اینترنت را کاهش داده سپس به‌طور کامل اینترنت را قطع کرد تا شهروندان نتوانند فیلم‌های مربوط به حوادث بحرین را آپلود یا دانلود کنند، (مرزوق، ۲۰۱۲: ۱۹۲؛ بی‌نا، ۲۰۱۲: ۲۲۶). خواسته‌های مطرح شده از سوی جوانان

۱. عبارت است از افراد بالای ۱۵ سال که توانایی خواندن و نوشتن دارند.

۲. در این سامانه‌ها که در کشورهای عربی به آنها «منتدی» گفته می‌شود، افراد می‌توانند در محیط مجازی آن حضور یافته و به‌صورت گروهی به بحث و گفتگو پردازند.

خواسته‌های جدیدی نبود بلکه هم نظام و هم مردم می‌دانستند که این خواسته‌ها از گذشته همواره توسط مردم مطرح بوده است.

آرمان

از دیگر مؤلفه‌های مورد نظر جک گلدستون در نظریه‌های نسل چهارم انقلاب، آرمان است. اهداف آرمانی که جوامع برای خود متصور می‌شوند، از عواملی است که باعث می‌گردد تا مردم اقدام به تشکیل جنبش کنند. این آرمان در جمهوری اسلامی ایران به شکل کمک به مستضعفین جهان و آزادی قدس شریف متبلور شد. جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از پیروزی، به مسئله فلسطین و آزادی قدس اهمیت محوری داده و آن را آرمان جوامع اسلامی و در صدر آنان، آرمان جمهوری اسلامی خواند. محوریت داشتن آرمان فلسطین در کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا به‌ویژه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس متفاوت بوده است. روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی برخی مواقع به‌صورت پنهان بوده و برخی مواقع نیز در پی انتشار اسناد و مدارک، آشکار شده است. رابطه بحرین نیز با رژیم صهیونیستی به زمان اشغال فلسطین توسط این رژیم باز می‌گردد. شدت و ضعف روابط حکومت بحرین با رژیم صهیونیستی متناسب با تحولات منطقه غرب آسیا دستخوش تغییرات بوده است. در واقع دولتمردان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به سبب اهداف و منافع مشترک با رژیم صهیونیستی، تلاش داشته‌اند تا به‌صورت نرم با آن روابط مختلف دیپلماتیک و اقتصادی برقرار کنند، به همین دلیل اندک‌اندک تلاش کرده‌اند تا مردم مسلمان کشورهای خود را همراه و هم‌گام با سیاست‌های خود کنند. مردم اکثر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اندک‌اندک دشواری ارتباط با رژیم صهیونیستی توسط دولتمردان خود را تحمل کردند به‌جز مردم بحرین (عادل الأنیس، ۲۰۱۲: ۴). مسئله قدس و روابط با رژیم صهیونیستی از خطوط قرمز اکثر مردم بحرین به‌شمار می‌رود اما این خطوط امروزه از سوی نظام بحرین مورد تجاوز قرار گرفته است. جنبش‌های مردمی بحرین از گذشته تا به امروز همواره حامی فلسطینیان بوده و مسئله قدس را از مهم‌ترین موضوعات جهان اسلام می‌دانند که باید از سوی مسلمانان مورد توجه قرار گیرد (البسام، ۲۰۰۵: ۳۰). برای نمونه می‌توان به اقدامات هیئت اتحاد ملی در دهه پنجاه میلادی (۱۹۵۴-۱۹۵۶) اشاره کرد که با هدف آزادی فلسطین تشکیل شد اما دو سال بعد توسط نظام بحرین منحل گردید. مردم بحرین با تشکیل هیئت اتحاد ملی توانستند حمایت خود از مردم فلسطین را به‌صورت واضح بیان کنند. این هیئت که رهبران آن^۱ مسلمان نبوده بلکه کمونیست بودند، با جدیت از آرمان فلسطین و مردم این سرزمین حمایت می‌کرد. البته باید خاطر نشان کرد که مردم بحرین از همان زمان طرح تقسیم فلسطین به دو کشور فلسطین و اسرائیل، به حمایت از مردم فلسطین و آرمان قدس پرداختند (الصددی، ۲۰۱۶/۵/۲۱). در سوم اکتبر ۱۹۴۷م نشست با عنوان شب‌زنده‌داری برای «روز فلسطین» ایجاد شد که در پی آن مردم همه فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی خود را متوقف کردند و در منامه تظاهراتی علیه کمیته ویژه تقسیم

۱. ابراهیم فخر، ابراهیم موسی، عبدالعزیز شملان و عبدالرحمن الباکر

فلسطین برگزار کردند (الشهابی، ۱۹۹۶: ۱۴۸). امروزه نیز گروه‌های سیاسی بسیاری در بحرین همچون تیار الوفاء الإسلامی، جمعیه الوفاق الوطنی الإسلامی، ائتلاف شباب ثورة ۱۴ فبرایر، حركة الحریات و الیدمقراطية، جمعیه العمل الوطنی الإسلامی، حركة احرار البحرین الإسلامیة و تیار العمل الإسلامی به حمایت از فلسطین پرداخته و آرمان فلسطین را یکی از مهم‌ترین موضوعات جهان اسلام می‌دانند. محوریت داشتن آرمان فلسطین برای مردم و بسیاری از گروه‌های سیاسی بحرین یکی از عوامل شکل‌گیری جنبش ۱۴ فوریه بحرین است. اهمیت موضوع فلسطین برای مردم بحرین از نظر نظام بحرین امری غیرقابل انکار بود و نظام بحرین در سال ۲۰۰۱ جهت اعلام همراهی خود با مردم این کشور در حمایت از آرمان فلسطین، در پاراگراف سوم فصل هفتم منشور اقدام ملی (میثاق العمل الوطنی)^۱، در قسمت سیاست خارجی به این موضوع پرداخته و از آرمان فلسطین دفاع کرده است اما در سال ۲۰۱۷ علناً ماده از منشور اقدام ملی را نقض کرده و هیئتی را به نمایندگی از دولت بحرین جهت برقراری روابط به رژیم صهیونیستی فرستاد، امری که با مخالفت بسیار زیادی از سوی مردم بحرین مواجه شد.

نتیجه‌گیری

جک گلدستون انقلاب اسلامی ایران را در شمار انقلاب‌های مدرن دسته‌بندی می‌کند. او نظام ایران قبل از انقلاب را در زمره حکومت‌هایی می‌داند که صرفاً دارای ظاهری بوروکراتیک هستند. کشورهایی که در آنها ظاهراً حکومت بوروکراتیک درون حزبی وجود دارد اما در حقیقت چنین نیست. در این دسته از کشورها فرد قدرتمندی نه از طریق پیروی از قوانین غیرشخصی و مردم سالارانه، بلکه از طریق یک نظام گسترده شخصی بر جامعه حکومت می‌کند. چنین قوانینی ممکن است از ظواهر دموکراتیک همچون پارلمان‌ها، احزاب سیاسی و قوانین اساسی و انتخابات برخوردار باشند اما در نهایت تصمیم‌نهایی را ریاست دولت می‌گیرد. در چنین دولت‌هایی توده‌ها عمدتاً از سیاست کنار گذاشته شده و صرفاً در انتخابات اداری تحت نظارت کارگزاران محلی دولت فعالیت می‌کنند. علاقه توده‌ها در چنین دولت‌هایی به اقتصاد و سیاست تا حد زیادی تدافعی است. هدف توده‌ها صرفاً حفظ معاش خود و در صورت امکان ارتباط اندک با دستگاه‌های دولتی است. کشور بحرین نیز تا سال قبل از ۲۰۱۱ میلادی وضعیتی مشابه وضعیت ایران قبل از انقلاب داشت. بدین معنی که نظام حاکم در بحرین با تصویب منشور اقدام ملی در سال ۲۰۰۱ میلادی بحرین را کشوری دموکراتیک معرفی کرد که مردم در تعیین سرنوشت خود سهیم هستند. نظام بحرین با برگزاری انتخابات پارلمانی هدفمند و مهندسی شده در اقصا نقاط بحرین، درصدد دموکراتیک معرفی کردن این مجمع‌الجزایر بر می‌آمد. کشور بحرین نیز همانند ایران قبل از انقلاب دارای احزاب سیاسی متمایل به نظام و یا جمعیت‌های غیرسیاسی بود. توده مردم این کشور نیز همانند مردم ایران قبل

۱. منشور اقدام ملی منشوری است که پس از به قدرت رسیدن حمد بن عیسی، پادشاه وقت بحرین، از سوی وی پیشنهاد شد تا بر طبق این منشور تغییراتی بنیادین در ساختار دولت و دستگاه‌های آن صورت گیرد.

از انقلاب نمی‌توانستند به مناصب سیاسی عالی‌رتبه دست یابند و کرسی‌های محدود پارلمان تنها جایگاهی بود که آنان می‌توانستند به صورت محدود بدان دست یابند. جنبش‌های بحرینی به‌ویژه جنبش ۱۴ فوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی جهت تغییر ساختار پاتریمونیالی موجود در این کشور به کنش سیاسی پرداخته و در این مسیر بسیاری از مؤلفه‌های موجود در انقلاب اسلامی ایران که مورد اشاره گلدستون بود را نیز با خود به همراه داشت. ساختار رهبری، ایدئولوژی، شبکه‌ها و آرمان از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک میان انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین است. در انقلاب اسلامی ایران رهبر یکی از مهم‌ترین عوامل پیشبرد جنبش است. رهبری امام خمینی(رض) به‌عنوان فردی آگاه به زمان که نشان‌دهنده میزان تأثیر روحانیت در جامعه است، توانست انقلاب ایران را به سرانجام برساند. در بحرین نیز غالباً افراد روحانی رهبری این جنبش را بر عهده گرفتند و توانستند بدنه مردمی قابل توجهی برای جنبش به‌وجود آورند. عامل مهم دیگر، ایدئولوژی است. امام خمینی(ره) انقلاب ایران را انقلابی دینی دانستند که آموزه‌های اسلامی بایستی در آن مورد توجه قرار گیرد. در جنبش ۱۴ فوریه بحرین نیز تعداد قابل توجهی از مردم بحرین به سبب بی‌توجهی و اهانت نظام حاکم به ارزش‌های دینی و آموزه‌های اسلامی به خیابان‌ها آمده و شعار اصلاح و تغییر نظام سر دادند. مؤلفه مهم دیگر در دو جنبش مذکور، مبحث شبکه‌ها است. در انقلاب اسلامی ایران، شبکه میان صف و ستاد، مردم و رهبری به طرق مختلف، از جمله دیدارهای چهره به چهره، سخنرانی‌های منبری، توزیع اعلامیه و نوار و غیره صورت می‌گرفت. در جنبش بحرین نیز این مقوله به شکل نوینی اجرایی شد. دیدار چهره به چهره مردم و رهبران جنبش در نمازهای جمعه و میدان لؤلؤ^۱ و تعامل میان صف و ستاد از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی از مهم‌ترین ارتباطات شبکه‌ای در جنبش ۱۴ فوریه بحرین است. مقوله آرمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مشترک میان دو انقلاب، در دو کشور ایران و بحرین موضوع مهم و محوری به‌شمار می‌رفت. انقلاب اسلامی ایران به‌صورت آشکار یکی از مهم‌ترین هدف خود را آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف اعلام می‌داشت. این آرمان در میان مردم گذشته بحرین در دهه پنجاه میلادی وجود داشته و امروزه نیز یکی از اهداف مهم‌ترین گروه‌های سیاسی این کشور به‌شمار می‌رود، لذا مقوله آرمان نیز به‌عنوان چهارمین مؤلفه مذکور از سوی گلدستون، در انقلاب اسلامی ایران و جنبش ۱۴ فوریه بحرین نقش محوری داشت.

۱. میدان اصلی بحرین که مکان تجمع انقلابیون به‌شمار می‌رفت.

منابع

- البسام، خالد (٢٠٠٥)، *كلنا فداك، البحرين و القضية الفلسطينية ١٩١٧-١٩٤٨*، الطبعة الاولى، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- البسام، خالد (٢٠٠٦)، *يوميات المنفى، عبدالعزيز الشمالان في سانت هيلانة ١٩٥٦-١٩٦١*، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- بيگي، عليرضا (١٣٩٥)، *گواه ميهن، بيانات رهبران انقلاب ١٤ فوريه بحرين و مخالفان نظام در دادگاههاي نظامي نظام بحرين، باهمكاري سجاد رفيعيان، چاپ اول، قم: نشر شهيد كاظمي.*
- بيگي، عليرضا (١٣٩٥)، *مباني و تاريخ سپاه نظام بحرين، چاپ اول، قم: نشر شهيد كاظمي.*
- بي نا (أ ٢٠١٢)، *فبراير، محطات لاتزال مفتوحة، ربيع البحرين، حصاد الساحات، مرآة البحرين، يوليو، از ٦٥ تا ٧٥.*
- بي نا (ب ٢٠١٢)، *انقلاب ثورة ١٤ فبراير، سيرة مختصرة، ربيع البحرين، حصاد الساحات، الطبعة الثانية، يوليو، مرآة البحرين، از ٥٧ تا ٦٢.*
- جمالزاده، ناصر (١٣٩١)، *گفتارهاي درباره انقلاب اسلامي، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).*
- الجمري، منصور (٢٠٠٨)، «بعض من سنوات الحركة الإسلامية الشيعية في البحرين»، تاريخ مشاهده (١٣٩٦/١/٢)، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://yon.ir/tYDOj>
- حسين، جاسم (٢٠١٥)، «الإقتصاد البحرينى فى ٢٠١٥: العقوبات و التحديدات»، تاريخ مشاهده (١٣٩٥/١١/٢٩)، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://yon.ir/n4xPg>
- خسروشيري، على (١٣٨٩)، *انقلاب اسلامي ايران و شيعيان لبنان، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.*
- خلف، عبدالهادى (٢٠٠٣)، *بناء الدولة فى البحرين: مهمة غير منجزة، الطبعة الثانية، بيروت، دار الكنوز الادبية.*
- دبیرخانه شورای برنامه ریزی علوم دینی مدارس اهل سنت (١٣٩٥)، «مشارکت اهل سنت در پیروزی انقلاب اسلامي»، ١٧ ديمه ١٣٩٥، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://yon.ir/OLCRr>
- الدقاق، عبدالله (١٣٩٤)، *انقلاب اسلامي بحرين پیروز خواهد شد، فصلنامه فرهنگ اسلامي، مرداد ١٣٩٤، شماره ٢٥، از ٢٥٥ تا ٢٦٧.*
- السندی، سيدمرتضى (١٣٩٦)، *رنج و اميد، تجربه‌ای واقعی در زندان‌های نظام بحرين، ترجمه عليرضا بيگي، قم: نشر شهيد كاظمي.*
- الشهابي، سعيد (١٩٩٦)، *البحرين، قراءة فى الوثائق البريطانية، ١٩٢٠-١٩٧١ م، الطبعة الاولى، لبنان، دارالكنوز الأدبية.*
- الشهابي، عمر هشام (٢٠١٣)، *الخليج ٢٠١٣، الثابت و المتحول، كويت، مركز الخليج لسياسات التنمية.*
- عادل الأنيس، غسان (٢٠١٢)، *العلاقات الخليجية الإسرائيلية، نموذج النظام البحرينى، الطبعة الثالثة، كانون الأول، صوت البحرين.*

– العالم (۲۰۱۷)، «لمحة تاريخية عن الاحتجاجات في ثورة البحرين»، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۶/۱/۲)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://yon.ir/Y3eKY>

– العکری، عبدالنبی (۲۰۱۲)، *البحرين، دور الحركة الإسلامية في انتفاضة ۱۴ فبراير، الطبعة الأولى*، لندن، مرکز البحرين للدراسات في لندن.

– العلوی، السيد جعفر (۲۰۱۴)، *ثورة البحرين نحو إسقاط حكم القبيلة، بحث حول إطروحات المعارضة البحرانية، الطبعة الأولى، تيار العمل الاسلامی*

– غينغلي، جستن (۲۰۱۵)، *صراع الجماعات و التعبئة السياسية في البحرين و الخليج، الطبعة الأولى*، بيروت، مركز اوال للدراسات و التوثيق.

– گلدستون، جک (۱۳۸۵)، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلابها، ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ اول، انتشارات کویر*.

– محمدی، منوچهر (۱۳۹۴)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*.

– المرشد، عباس (۲۰۱۲)، *النموذج الخليفي في التغيير السياسي: اقتصاد الطائفية و العنف في البحرين، الطبعة الأولى*، لندن، مرکز البحرين للدراسات.

– ملکوتیان، مصطفی و بقایی، خرم و نیری، هومن (۱۳۹۱)، *گونه‌شناسی نظریه‌های انقلاب، فصلنامه سیاست، بهار ۱۳۹۱، شماره ۲۱، از ۳۳۳ تا ۳۵۰*.

– ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۴)، *نگرشی به نظریه‌های انقلاب و نقد و ارزیابی آنها، دوفصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، از ۱۴۲ تا ۱۸۱*.

– منوچهری، عباس (۱۳۸۰)، *نظریه‌های انقلاب، چاپ اول، انتشارات سمت*.

– مومن، عبدالله (۲۰۰۲)، *التغيير الديموغرافي في البحرين، الطبعة الأولى، بيروت، دارالفنون للنشر*.

– نادریان، حسین (۱۳۹۲)، «مروری کوتاه بر دو نظریه از دو نسل نظریه‌پردازان انقلاب؛ انقلاب در نظریه‌های انقلاب»، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۹/۲۰)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://yon.ir/61bXJ>

– نوروزی، ایمان (۱۳۹۵/۱۱/۱۰)، «سقوط نظام بحرين اوضاع منطقه را متحول خواهد کرد»، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۲/۲۸)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://yon.ir/eQuaB>

– Foran, John, (1993), *Theories of Revolution: Toward a Fourth Generation? Sociological Theory*, Vol. 11, NO. 1, March: 1-20.

– Goldstone, Jack, (1980), "Theories of Revolution: The Third Generation", *World Politics*, the Trustees of Princeton University, 425-453.

– Goldstone, Jack, (2001), "Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory", *Annual Review of Political Science*, Vol 4: 139 – 187.

– Goldstone, Jack, (2009), "Rethinking Revolution: Integrating Origins, Processes, and Outcomes", *CSSAAME (Comparative Studies of South Asia, Africa, and the Middle East)*, Vol 29: 8-32.

- Index Mundi, (2017), "Bahrain Literacy", last seen (12/3/2017), retrieved from below website: <http://yon.ir/eLKjv>
- International Covenant on Civil and Political Rights, (1976), UNHR, available in below link: <http://yon.ir/8rZJR>
- Pujani, Sana, (2014), "Top 10 sin cities in the world". List dose, available in below link: <http://yon.ir/M3vg4>
- Skocpol, Theda, (1980), *States and Social Revolution*, Cambridge University press, 1980, 9.286.
- Smart Travel, (2017), "Bahrain Nightlife-Clubs, Bars & Nightlife Tips", retrieved from below website: <http://yon.ir/ymz5M>